

گزارش

تحلیل ساختار تشکیلات و منابع بخش فرهنگی کشور

نویسنده: حجت‌الله سوری*

چکیده

در این مقاله، پس از ارائه تعاریفی درباره فرهنگ، به اهمیت آن در برنامه توسعه می‌پردازیم. سپس ساختار تشکیلات فرهنگی کشور را قبل و بعد از انقلاب اسلامی از حیث حاکمیت و تصدی مرور و پس از آن منابع مالی و انسانی بخش فرهنگ را بررسی می‌نماییم و چالش‌های اساسی را در این چهارچوب معرفی کرده و راه کارهایی برای حل این گونه معضلات ارائه می‌دهیم. بررسی ما، حاکی از آن است که معضلات و چالش‌های تشکیلاتی و ساختاری بخش فرهنگ به تحولات اساسی و اقدامات همه جانبه نیاز دارد و سیاست‌های کوتاه‌مدت و تغییرات ناپایدار، به تنهایی، سودی نمی‌بخشد.

۱. مقدمه

فرهنگ از جمله مقولاتی است که همواره از آن سخن به میان می‌آید بدون آن که دقیقاً تعریف شود، دامنه شمول مشخصی داشته باشد و به عنوان یک اولویت عملاً مورد توجه جدی قرار گیرد. فرهنگ، تاریخ تمدن و میراث علمی و هنری هر ملت است و در ارتباط با زمان حال، روح کل و هویت و ماهیت

هر ملت به عنوان مجموعه‌ای از مشترکات فکری، عقیدتی و امثال آن است که منش‌های جمعی را شکل می‌دهد و نوع خوی و خصلت حاکم بر رفتار و روابط اجتماعی افراد جامعه را مشخص می‌کند. بدین جهت، می‌توان فرهنگ را مجموعه‌ای از ساخته‌ها (دستاوردهای کنونی) و اندوخته‌های معنوی (میراث فرهنگی) دانست.

به معنایی دقیق‌تر، فرهنگ جملگی جلوه‌های مادی و معنوی زندگی اجتماعی انسان را در برمی‌گیرد و پدیده‌ای ناشی از فرآیند زندگی اجتماعی و منحصر به نوع انسان است. انسان در طول زندگی، از فرهنگ تأثیر می‌پذیرد، و نیز بر آن تأثیر می‌گذارد. فرآیند این فعل و انفعال، به نسل آینده منتقل می‌گردد و رابطه‌ای بین نسل‌های گذشته، حال و آینده برقرار می‌شود. از یک سو، فرهنگ در استمرار است و از دیگر سوی در تحول است.

در این مقاله، در پی تشریح و تبیین فرهنگ یا پژوهش درباره آن نیستیم. روی سخن ما با دستگاه‌های فرهنگی و حیطه کارکردی و فعالیتی آنهاست و این که با چه چالش‌ها و تعارضات عملیاتی مواجه هستند و راه کارهای اساسی بهبود وضعیت موجود چیست؟ ما در این جا، با بررسی رابطه فرهنگ و توسعه، اهمیت جوهری این مقوله اجتماعی را روشن می‌کنیم. سپس جهت‌گیری‌های اساسی فرهنگ رسمی کشور را مشخص می‌نماییم. آن گاه در بخش بعدی مقاله، ساختار تشکیلات فرهنگی قبل و بعد از انقلاب اسلامی را بررسی می‌کنیم، پس از آن منابع مالی و انسانی بخش را ارزیابی می‌نماییم. در نهایت، تحت عنوان ملاحظات اساسی، به چالش‌ها و مسائل ویژه می‌پردازیم و برخی راه کارهای اساسی را در این خصوص مورد بحث قرار می‌دهیم.

البته در این نوشتار، تنها به موضوع‌هایی می‌پردازیم که در حیطه وظایف، عملکرد و فعالیت دستگاه‌های فرهنگی^۱ به معنای خاص آن است.

اکنون بحث را با نگاهی اجمالی به اهمیت فرهنگ در برنامه توسعه اجتماعی، اقتصادی و

۱. منظور از دستگاه‌های فرهنگی، مجموعه‌ای از وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها، مراکز و مؤسسات دولتی و نیمه دولتی و همچنین مراکز متعلق به قوای سه گانه و نهاد رهبری است که به ارائه محصولات فرهنگی می‌پردازند یا نقش هدایتی، نظارتی و پشتیبانی امور فرهنگی را دارند. در نتیجه، بخش‌های آموزش و پرورش، آموزش عالی و سایر بخش‌های اجتماعی را شامل نمی‌شود.

فرهنگی آغاز می‌کنیم. همواره یک کنش متقابل بین فرهنگ و توسعه وجود دارد. موضوع مهم در این زمینه، تعیین جایگاه و نقش اجتماعی فرهنگ در توسعه و نیز نقش اقتصاد و سایر تحولات اجتماعی روی کارکردهای فرهنگی است. توجه به مشکلات ناشی از توسعه جوامع از دیدگاه فرهنگی، می‌تواند ضامن تحقق مجموعه‌ای از هدف‌های انسانی در برنامه توسعه باشد.

تا اوایل دهه ۱۹۶۰، توسعه فرآیندی اقتصادی و فن‌آورانه به شمار می‌آمد که در سرانه محصول ناخالص ملی و به صورت ایجاد فرصت‌های شغلی و سایر امکانات اقتصادی ضروری برای توزیع وسیع‌تر منافع اقتصادی و اجتماعی، مطرح بود. اما در اواخر این دهه به تدریج آشکار شد که هر چند رشد، شرط ضروری توسعه است، اما نباید آن را به منزله توسعه تلقی کرد. زیرا جنبه‌های غیر اقتصادی شکوفایی فردی و اجتماعی، رفاه و ملاحظات مربوط به توزیع درآمد را بر نمی‌گیرد. بنابراین، تحلیل‌گران اقتصادی به این نتیجه رسیدند که توسعه نباید تنها به رشد اقتصادی که براساس «الگوی انباشتگی ---- سرمایه‌گذاری ---- رشد» تفسیر می‌شود، محدود شود.

آگاهی از این واقعیت، همراه با حفظ تنوع فرهنگی ملت‌ها، به معنای توجه اصولی به جنبه‌های فرهنگی در برنامه‌های توسعه بود. بنابراین، طی دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰، مفاهیمی جدید از فرهنگ و توسعه مطرح شد که در آنها توسعه، فقط سنجش کمی درآمد، بی‌کاری و نابرابری نیست، بلکه فرآیندی چند بُعدی است که تغییرات عمده در ساختارهای اجتماعی، گرایش‌های ارزشی مردم و نهادهای ملی، ملاحظات زیست محیطی، کاهش نابرابری و محو فقر را در پی دارد. توسعه، بر رفاه انسان متمرکز می‌شود نه بر سنجش ضریب سرمایه‌گذاری و نسبت سرمایه به تولید. تمرکز بر رفاه انسان، نیازمند مطالعه او در یک منظر خاص اجتماعی است. از آن جا که هر جامعه‌ای فرهنگ ویژه خود را دارد، ضرورتاً توسعه نیز باید بر اساس آن ویژگی‌ها استوار باشد و تحقق یابد. توجه به فرهنگ، به عنوان نقطه شروع تغییر در جامعه، به معنای استوار ساختن توسعه بر هویت و ارزش‌های اخلاقی و معنوی ملت‌ها و ارتباط آن با محیط‌زیست طبیعی و انسانی است.

با وجود این، هنوز هم مشکلات توسعه غالباً تنها با توسل به الزامات اقتصادی - که بر اساس شاخص‌های کمی سنجیده می‌شود - ارزیابی می‌شود. هنوز هم فرهنگ به مجموعه‌ای از فعالیت‌ها و

تولید محصولات فرهنگی محدود شده است و احياناً در بودجه‌های سنواری توسط دولت تحت حمايت مالی مستقيم يا غير مستقيم (معافيت مالیاتی) قرار دارد. در چنين شرايطی، کتمان بُعد فرهنگی توسعه، حتی انکار و نفی آن شگفت‌آور نيست. گر چه در مقابل، همه اقتصادهای توسعه یافته (حتی تا مرحله کسب سلطه بر ديگران)، کالاها، دانش، نظام‌های ارزشی، ساختارها و فرآورده‌های فرهنگی خود را به طور هم زمان صادر می‌کنند.

امروزه فرهنگ، هنوز ارزش و جایگاه واقعی خود را نیافته است. البته در اين زمینه پیشرفت‌های مهمی حاصل شده است. ولی از دید بسیاری، فرهنگ عنصری زاید و مختص نخبگان است، فرهنگ چیزی تجملی است که در دوره شکوفایی اقتصاد می‌توان آن را عرضه کرد، اما در دوره رکود بی ثمر و زیادی است. در جهت‌گیری‌های بودجه‌ای، اين دیدگاه به طور اجتناب‌ناپذیری کیفیت را فدای کمیت می‌کند و فرهنگ را هدف قرار می‌دهد. بدین ترتیب، فرهنگ حتی در کشورهای پیش‌رفته در دام ضرورت‌های بودجه‌ای گرفتار است و اعتبارات فرهنگی به هنگام کاهش درآمدها، تقلیل می‌یابد.

با این حال، بُعد فرهنگی توسعه از اقتصاد جدایی‌ناپذیر است و باید برنامه‌های توسعه را نیز تغذیه کند و عدم توجه به آن، برنامه‌های اقتصادی به شکست می‌انجامد.

در این میان، نهادها و دستگاه‌های فرهنگی در هر کشور عهده‌دار صیانت از فرهنگ رسمی (نظام فرهنگی ترویجی توسط دولت و حکومت مربوطه) آن کشور هستند و نحوه فعالیت و عملکرد آنها می‌تواند علاوه بر آن، الزامات لازم فرهنگی برای برنامه توسعه همه جانبه را فراهم آورد. در وضعیت آرمانی، تنظیم روابط اقتصادی و اجتماعی جامعه براساس ارزش‌های فرهنگی مورد قبول همگان استوار می‌شود و برنامه‌های رشد اقتصادی و توسعه سیاسی و اجتماعی در دامنه‌ای از ملاحظات فرهنگی تعریف می‌شود. در نتیجه، بررسی این موضوع حایز اهمیت است که نقش دستگاه‌های فرهنگی کشور را به نوعی با توجه به حیطه حاکمیت و تصدی دولت در مورد ترویج فرهنگ رسمی و الزامات آن در خصوص توسعه اجتماعی و اقتصادی مورد توجه قرار دهیم. پیش از آن، ضروری است نگاهی به جهت‌گیری‌های اساسی فرهنگ رسمی کشور قبل و بعد از انقلاب

اسلامی داشته باشیم.

این جهت‌گیری‌ها اساس تنظیم سیاست‌گذاری‌های فرهنگی، برنامه‌ریزی و تدوین ساختار تشکیلات فرهنگی هر کشور را مشخص می‌سازد. در نتیجه، شناسایی عناصر اساسی فرهنگ رسمی کشور که توسط حاکمیت ترویج می‌شود، اهمیت ویژه‌ای دارد.

نظام فرهنگی کشور قبل از انقلاب اسلامی بر دو ایده اساسی استوار بود. احیای فرهنگ ایران باستان و ترویج فرهنگ غربی که هر دو آنها اضمحلال فرهنگ دینی را نشانه رفته بود و بر این اساس ترویج هنر و ادب با حمایت گسترده مالی دولت، مشارکت دادن به بخش خصوصی در عین استقرار تصدی دولت در بخش فرهنگ و گسترش دامنه حاکمیت در اولویت قرار داشت.

دوره بعد از انقلاب اسلامی را می‌توان به دهه اول و دهه دوم تقسیم کرد و تمایزات مشهودی در جهت‌گیری‌های اساسی بین این دو دهه را نشان داد. در دهه اول انقلاب اسلامی، مقابله با مظاهر ترویج فرهنگ غربی و عناصر و نمادهای فرهنگ ایران باستان تا حدود قابل ملاحظه‌ای احساسی، کارشناسی نشده و دستور مدارانه بود. هر چند تکیه کلام مروجان فرهنگی کشور در این دهه، نفی مصادیق فرهنگ غرب، از جمله سینما، موسیقی و تئاتر نبود، ولی کارکرد این مصادیق با محتوای دینی محض به سرعت به تعطیلی و رکود این گونه فعالیت‌ها منجر شد. موسیقی مشروع تعریف مشخصی نداشت و همچنان ندارد و سینما، فیلم و نمایش در قالب‌های محض دینی به دور از تنوع و پردازش ایده‌ها و پندارهای اجتماعی و واقعیات جامعه مخاطب‌گریز بود. ساختار تشکیلاتی به جا مانده از قبل از انقلاب اسلامی، هم خوانی کافی یا تحقق اصول ارزش مدارانه فرهنگ دینی نداشت و به منظور رفع موارد خلأ، به دلیل صلابت و سختی ساختارهای فرهنگی تشکیلات کشور نهادهای جدیدی تعبیه گردید. اقتصاد فرهنگ در رکود به سر می‌برد و بسیاری از فعالیت‌های هنری قابلیت پرورش هنرمندان متعهد، و در عین حال، مخاطب‌پذیر را نداشتند. بخش خصوصی فاصله بیشتری با تولید محصولات فرهنگی گرفت و نقش تصدی‌گری دولت در فرهنگ همراه با گسترش نهادهای حاکمیت فرهنگی را گسترش داد.

دهه دوم انقلاب، آغاز حرکت به سمت نگرش هنری به هنر و توجه به جنبه‌های فراموش شده هنر در عین تلاش به منظور حفظ محتوای ارزشی محصولات هنری و فرهنگی بود. هنر برای مخاطب و هنر برای هنر، براساس ایده تسامح و تساهل فرهنگی، افزایش مشارکت بخش خصوصی با فعال کردن اقتصاد خودگردان تولید محصولات فرهنگی، سمت و سوی و میزان تصدی دولت را تغییر داد. که در ادامه مقاله به بررسی آن خواهیم پرداخت.

۲. ساختار تشکیلات فرهنگی کشور، مرزهای حاکمیت و تصدی

ایفای نقش حاکمیتی در عرصه فرهنگ وقتی معنادار است که دولت و حکومت خود را در قبال تحولات فرهنگی جامعه مقید بدانند و مرزهای مشخصی برای فرهنگ رسمی منفک از فرهنگ عمومی جامعه تعریف و ترویج نمایند. اصولاً قبل و بعد از انقلاب، حیطه گسترده‌ای از فعالیت‌های فرهنگی به عنوان حاکمیت تعریف و ایفای نقش مشخص در این محدوده به نهادهای حکومتی واگذار شده بود. سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی کلان فرهنگی کشور، تنظیم روابط فرهنگی با خارج از کشور، برگزاری مناسبت‌ها و جشن‌های ملی دارای جنبه سیاسی، نظارت بر فعالیت مؤسسات و نهادهای فرهنگی، حفظ و نگهداری و معرفی میراث فرهنگی، نظارت بر موقوفات، تنظیم برنامه کلان جهانگردی و جلب سیاحان، توسعه و تقویت زبان فارسی و حفظ و نشر اسناد ملی، اساسی‌ترین عناوین حاکمیتی در بخش فرهنگی کشور در قیل و بعد از انقلاب است که در هر مرحله بر اساس ارزش‌های فرهنگی مشخصی این حق اعمال شده است. پیش از انقلاب اسلامی، شوراهای فرهنگی، وزارت فرهنگ و هنر، کتابخانه پهلوی، سازمان اوقاف، بنیاد شاهنشاهی فرهنگستان زبان ایران، سازمان جلب سیاحان، انجمن آثار ملی، انجمن ملی روابط فرهنگی، سازمان جشن و هنر، و بنیاد فرهنگ ایران، از مهم‌ترین دستگاه‌ها و نهادهای حاکمیتی بودند. پس از انقلاب اسلامی، شورای عالی انقلاب فرهنگی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی، و مرکز اسناد انقلاب اسلامی، سازمان اسناد ملی، سازمان ایرانگردی و جهانگردی، سازمان میراث

فرهنگی، کتابخانه ملی، سازمان اوقاف و امور خیریه، سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، شورای گسترش زبان فارسی، به تحکیم نقش حاکمیتی نظام در تثبیت فرهنگ انقلابی، اسلامی و ملی پرداخته‌اند و هر چند محتوای فرهنگ رسمی پس از انقلاب اسلامی به کلی دگرگون شده است، اما جنبه‌های حاکمیتی و ساختار تشکیلاتی حاکمیت فرهنگی در همان مجاری مشخص و تنها با تغییراتی متناسب عمل می‌کنند (جدول ۱).

در مقابل حاکمیت، تصدی فعالیت‌های فرهنگی توسط دولت و نهادهای حکومتی تنها می‌تواند برای یک دوره کوتاه مدت، تعریف شده و بر اساس ضرورت‌های مشخص توسط مجاری سیاست‌گذار و برنامه‌ریز کلان فرهنگی کشور مجاز دانسته شود. عمده این ضرورت‌ها می‌تواند حمایت از مناطق محروم، تصدی برخی فعالیت‌ها که در صورت عدم مشارکت دولت در معرض خطر جدی حذف قرار دارند و رونق بخشی به بازار تولید کالاها و خدمات فرهنگی در شرایطی باشد که تحرک بخش خصوصی نیازمند به حضور اولیه دولت باشد. در هر حال، ماهیت پرداخت یارانه و کمک دولت به مراکز فرهنگی و به ویژه حضور مستقیم نهادهای فرهنگی دولتی در تولید و عرضه کالاها و خدمات فرهنگی و هنری باید با توجه به اولویت‌ها و کوتاه مدت باشد.

در زمینه تصدی فعالیت‌های فرهنگی پس از انقلاب اسلامی، حیطه تصدی حکومتی و دولتی در مقابل تصدی بخش خصوصی گسترش چشم‌گیری داشته است. تا قبل از انقلاب اسلامی، عمدتاً دولت به حمایت مالی و کمک مستقیم به فعالیت‌های فرهنگی بخش خصوصی اکتفا می‌نمود و سهم کمتری در انجام عملیات و تولید و عرضه محصولات فرهنگی داشت. مراکز فرهنگی متعددی همانند کاخ جوانان، تئاتر شهر، تالار رودکی، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، سازمان ورزشی و فرهنگی تاج، بنیاد شاهنشاهی ادب و هنر ایران، به عنوان کمک بگیر از اعتبارات دولتی بهره‌مند بوده‌اند، ولی مدیریت اجرایی فعالیت‌ها بر عهده بخش خصوصی و در چهارچوب ترویج فرهنگ رسمی کشور بوده است. تولید محصولات فرهنگی، فعالیت‌های سینمایی، سمعی و بصری، تئاتر، نگارخانه‌ها، کتابخانه‌ها، چاپ و نشر کتاب، آموزش‌های هنری، فعالیت‌های ادبی و اجرای برنامه‌های موسیقی، با مشارکت فعال بخش خصوصی مواجه بود که علت اساسی آن را می‌توان خوداتکایی نسبی اقتصاد فرهنگ و هنر در این سال‌ها دانست.

جدول ۱. طبقه‌بندی وظایف حاکمیتی دولت در مورد امور فرهنگی و دستگاه‌های مجری قبل و بعد از انقلاب اسلامی

ردیف	سازمان مسئولیت حاکمیتی	دستگاه سیاستگذار قبل از انقلاب اسلامی (۱۳۵۵)	دستگاه مجری بعد از انقلاب اسلامی (۱۳۷۸)
۱	سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی کلان امور فرهنگی کشور	مجلس شورای ملی و مجلس سنا	شورای عالی انقلاب فرهنگی، مجلس شورای اسلامی، شورای نگهبان
۲	سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی آموزشی، هدایت و نظارت بر امور فرهنگی و علمی	وزارت فرهنگ و هنر	وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
۳	سرانه‌گذاری‌های اولیه و تأمین قطعات اولیه فیزیکی در مناطق محروم و نواحی ویژه	دستگاه‌های اجرایی حسب وظایف	دستگاه‌های اجرایی حسب وظایف
۴	سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی آموزشی، هدایت و نظارت بر امور مذهبی و خدمات دینی	سازمان اوقاف	سازمان تبلیغات اسلامی، دفتر تبلیغات حوزه علمیه، نهادهای اوقاف، سروش و نهی از منکر، مرکز رسیدگی به امور مساجد، سازمان اوقاف و امور خیریه، مرکز مدیریت حوزه علمیه، نهادهای اوقاف، نماز
۵	برگزاری مسابقات‌های علمی، فرهنگی، جشن‌ها و انجمن‌های عمومی	سازمان جشن و هنر	شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی
۶	سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی آموزشی، هدایت و نظارت بر امور فرهنگی، سدا و سیما	رادیو و تلویزیون ملی ایران	سازمان صدا و سیما
۷	سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی، هدایت و نظارت بر امور اجرایی، تبلیغات دینی و امور فرهنگی	واحدهای فرهنگی خارج از کشور، وزارت امور خارجه و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، انجمن علمی رابطه فرهنگی	سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی
۸	حفظ و نگهداری، اداره و شناسایی موجودات و فرهنگ وقت	سازمان اوقاف	سازمان اوقاف و امور خیریه
۹	سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی، هدایت و نظارت بر امور حج و زیارت	سازمان حج و زیارت	سازمان حج و زیارت
۱۰	حفظ و نگهداری و معرفی اسناد ملی و مدارک فرهنگی	مرکز اسناد ملی، کتابخانه ملی	مرکز اسناد ملی، کتابخانه ملی، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، بنیاد حفظ و
۱۱	گسترش و توسعه زبان و ادبیات فارسی	بنیاد شاهنامه‌های فرهنگستان زبان ایران	ترویج آثار دفاع مقدس
۱۲	سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی، هدایت و نظارت بر امور ارتباطی و جهانی‌نگری	سازمان جهانی‌نگری	شورای گسترش زبان فارسی
۱۳	حفظ و نگهداری، احیا و معرفی میراث فرهنگی	سازمان میراث فرهنگی، صنایع آثار ملی	سازمان میراث فرهنگی
۱۴	سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی اجرایی امور فرهنگی، نوجوانان و جوانان	سازمان ملی بینامتنی ایران، کلان پروش، لکمی کودکان و نوجوانان، کاخ جوانان	شورای عالی جوانان و مرکز ملی جوانان، کاروان پروش فکری کودکان و نوجوانان
۱۵	سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی اجرایی امور فرهنگی، ویژه بانوان	سازمان زبان ایران	دفتر امور مشارکت بانوان، راست جمهوری

جای‌گزینی یک فرهنگ غایت‌گرا مبتنی بر ارزش‌های دینی به جای فرهنگ قبل از انقلاب، موجبات آن را فراهم آورد که نقش حکومت و دولت به عنوان متصدی و مجری فعالیت‌های فرهنگی و هنری گسترش یابد. تولید محصولات فرهنگی مبتنی بر ارزش‌های خاص همانند کتاب، فیلم، نمایشنامه، متون ادبی و موسیقی تنها می‌توانست با تأمین منابع مالی کافی توسط دولت و نهادهای حکومتی گسترش یابد و اعطای یارانه و کمک مستقیم به تولید این گونه محصولات و حمایت مالی از فرهنگیان و هنرمندان متعهد سالیان متمادی در برنامه کاری دولت قرار گرفت. دستگاه‌های حاکمیتی کم‌کم با فراموش کردن محدوده منطقی حاکمیت، ناگزیر به تصدی فعالیت‌های فرهنگی شدند و سازمان‌ها و نهادهای متعددی با بهره‌گیری از منابع مالی مستقیم و غیر مستقیم دولتی و با حداقل مشارکت بخش خصوصی، مستقیماً تصدی امور فرهنگی کشور را به عهده گرفتند. برخی از این نهادها مأموریت ویژه‌ای در زمینه ارائه خدمات دینی دارند. سازمان تبلیغات اسلامی، دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم، ستاد اقامه نماز، ستاد امر به معروف و نهی از منکر، مرکز رسیدگی به امور مساجد، برخی از این نهادها هستند که فعالیت‌هایی از قبیل امور عمرانی و فرهنگی مساجد، اعزام مبلغان دینی، آموزش‌های تخصصی ویژه طلاب و روحانیان، چاپ و نشر کتاب‌های دینی، تولید محصولات سمعی و بصری و ارائه خدمات آموزشی و تبلیغات دینی را عهده‌دار هستند.

طبق جدول ۲، در حال حاضر، یک وزارتخانه، هشت سازمان و ۳۴ نهاد و مرکز فرهنگی دولتی و نیمه دولتی مجموع دستگاه‌های فرهنگی کشور را تشکیل می‌دهند. از این تعداد، ۲۳ دستگاه، دولتی و بقیه آنها نیمه دولتی و کمک بگیر هستند و در عین حال به عنوان مراکز فرهنگی حکومتی معرفی می‌شوند. این گونه مراکز مستقیماً زیر نظر نهاد رهبری یا تشکیلات وابسته به آن نهاد هستند.

برخی از نهادهای حاکمیتی دولت نظیر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان اوقاف و امور خیریه و سازمان حج و زیارت به تصدی فعالیت‌های فرهنگی نیز می‌پردازند. در نقطه مقابل با مجموعه‌ای از دستگاه‌های فرهنگی تابع نهاد رهبری مواجه هستیم که برخی از آنها نقش حاکمیتی دارند، برخی به حاکمیت و تصدی با هم می‌پردازند و برخی دیگر عمدتاً نقش تصدی‌گری فعالیت‌های فرهنگی و به ویژه ارائه خدمات دینی را دارند (جدول ۲).

جدول ۳. دستگاه‌های متصدی و مجری امور فرهنگی، دولتی یا کمک بگیر از دولت بر حسب نوع فعالیت

بهد از انقلاب اسلامی (۱۳۷۸)		قبل از انقلاب اسلامی (۱۳۵۶)	
دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم*	وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی	مرکز اسناد ملی	کتابخانه بهدوی*
شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی*	سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی	کتاب فرهنگ*	وزارت روزنامه‌های ایرانیه گسترش فرهنگ)
شورای گسترش زبان فارسی	کتابخانه ملی	سازمان میراث فرهنگی	دفتر مصلحتی علی‌صدرتجهت‌انجمن‌الاعرابی برنامهدان فرهنگی)
انسان مقدس حضرت امام رها (ع)*	سناد امیر به معروف و نهی از منکر*	راذیبه و نظریه‌پردازان ملی ایران	سازمان اوقاف
حوزه‌های علمیه چهارمحال*	انجمن‌های اسلامی دانش‌آموزی و دانشجوئی*	بنیاد شاهنامه فردوسی*	وزارت فرهنگ و هنر
مرکز سبورت حوزه علمیه قم*	سناد آقامه نماز*	انجمن‌های ادبی و هنری*	بنیاد شاهنشاهی فرهنگستان زبان و هنر ایران*
شورای فرهنگ عمومی	مرکز ملی جوانان	خانه فرهنگ روستایی	بنیاد شاهنشاهی فرهنگستان ادب و هنر ایران*
موسسه نشر آثار حضرت امام (ره)	فرهنگستان زبان و ادب فارسی	خانه فرهنگ ایران باستان*	تالار روکنی*
سازمان مدارک فرهنگی	دفتر امور مشارکت بانوان ریاست جمهوری	خانه جوانان شعر و خورشید سبغ	سازمان جهانگردی
کتابخانه آیت‌المروسی نجفی*	فرهنگستان هنر	فناوری‌های فرهنگی وزارت آموزش و پرورش	سازمان ملی بینامتنی ایران
سازمان تبلیغات اسلامی*	سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران		مرکز فرهنگی باغ فردوسی*
حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی*	کتابخانه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی		سازمان جشن و هنر*
مرکز جهانی علوم اسلامی*	سازمان اسناد ملی ایران		انجمن علمی رابطه فرهنگی*
سناد مطبوعه ۲ غرب کبیر*	سازمان اوقاف و امور خیریه		انجمن آثار ملی*
کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان	کانون‌های فرهنگی - اجتماعی		کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان*
سازمان ایرانگردی و جهانگردی	سناد عالی نظارت بر کانون‌های فرهنگی و هنری مساجد		سازمان ورزشی و فرهنگی باغ*
جمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی*	مرکز رسیتهی به امور مساجد*		سازمان زبان ایران
شورای عالی حوزه علمیه قم*	صندوق عمران مساجد		انجمن قدس رضوی (ع)*
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی	بنیاد فقط آثار واقع قدس		کاخ جوانان
فناوری‌های فرهنگی بانک‌گامها و مراکز آموزش عالی	سازمان میراث فرهنگی کشور		مرکز ایرانی مطالعه فرهنگ‌ها
فناوری‌های فرهنگی وزارت آموزش و پرورش	جهاد دانشگاهی		بنیاد فرهنگ ایران

* دستگاه‌های فرهنگی کمک بگیر از دولت ازباده‌های عمومی غیر دولتی.

شورای عالی انقلاب فرهنگی هم اکنون مهم‌ترین نهاد حاکمیتی نظام است که به تبیین اصول کلان سیاست‌ها و برنامه‌های فرهنگی کشور می‌پردازد. ضمن آن که از ارتباط ارگانیک با نهادهای زیر دست برخوردار نیست و جهت‌گیری فعالیت‌های این شورا انحراف شدیدی به سمت موضوع‌های آموزش عالی کشور و نه صرفاً فرهنگی یافته است تا حدی که در این زمینه احساس کاستی از حیث استمرار حمایت سیاستی و برنامه‌ای مشهود است.

در مورد موجودیت نهادهای دینی و به ویژه نقش تصدی‌گرایانه‌ای که ایفا می‌کنند، دلایل نسبتاً مقبولی ارائه می‌شود. یکی از مهم‌ترین دلایل آن است که در نظام دینی، تعطیلی شعایر و نمادهای مذهبی معنادار نیست. وقتی مردم به دلیل ناتوانی مالی یا به هر دلیل دیگر در حد لازم به عرضه این گونه خدمات نپردازند، حکومت دینی خود را موظف به تأمین آنها می‌داند. اساس شکل‌گیری نهادهای مذهبی بر چنین اندیشه‌ای استوار است. در مقابل، هنوز برخی از برنامه‌ریزان فرهنگی کشور بر این نکته اصرار می‌ورزند که عرضه کالاها و خدمات دینی، از جمله مقولاتی است که طی تاریخ مردم آن را به عهده داشته‌اند و دولت باید از اموری مانند ساخت و ساز و مدیریت مساجد، تربیت طلاب علوم دینی، اعزام مبلغان و برگزاری مناسک و مراسم دینی اجتناب کند و این نقش همچنان بر عهده بخش خصوصی باشد. در هر حال، هنوز خط مرز مشخصی برای تصدی دولت یا نهادهای حکومتی در مورد عرضه کالاها و خدمات دینی ترسیم نشده است. عده‌ای دخالت دولت در تأمین خدمات دینی را زیان بار و عده‌ای اجتناب دولت را بی‌اعتنایی با دین معنا می‌کنند. در چهارچوب تفکر دینی این یک پرسش اساسی است که چگونه دولت موظف به عرضه خدمات بهداشتی، آموزشی و معاش مردم باشد، ولی مسئولیتی در قبال امور دینی مردم نداشته باشد، خاصه در زمانی که منابع سنتی در اختیار حوزه‌های علمیه، مساجد و اماکن دینی تأمین‌کننده سطح مورد نیاز و مقبول از عرضه خدمات دینی نیست.

۳. منابع مالی و انسانی بخش فرهنگ

الف) منابع مالی بخش دولتی

اعمال حاکمیت و تصدی فعالیت‌های فرهنگی، به ویژه پس از انقلاب اسلامی، عمدتاً با بهره‌گیری

مستقیم یا غیرمستقیم از منابع مالی دولت بوده و جدای از معافیت‌های مالیاتی، یارانه‌های پنهان و اعطای امتیازات ویژه مالی که محاسبه آنها در چهارچوب این مطالعه نیست، تنها به بررسی سهم بخش فرهنگ و هنر از بودجه‌های سنواتی می‌پردازیم که روند تغییر در دامنه حاکمیت و تصدی فرهنگ را مشهود می‌سازد. در این مطالعه، به مشاهده آمار و ارقام کمی چنین تحولی در مقاطع پنج ساله، از سال ۱۳۴۵ تاکنون، می‌پردازیم. یک شاخص کمی نسبتاً گویا برای این بررسی، نسبت اعتبارات بخش فرهنگ و هنر به نسبت مجموع اعتبارات امور چهارگانه بودجه دولت (امور عمومی، دفاعی، اجتماعی و اقتصادی) می‌باشد. جدول ۳، این شاخص را برای مقاطع زمانی مورد نظر نشان می‌دهد و براساس اطلاعات جدول دو نمودار ترسیم شده که بیانگر روند تغییرات شاخص مذکور و سرانه جمعیتی شاخص است.

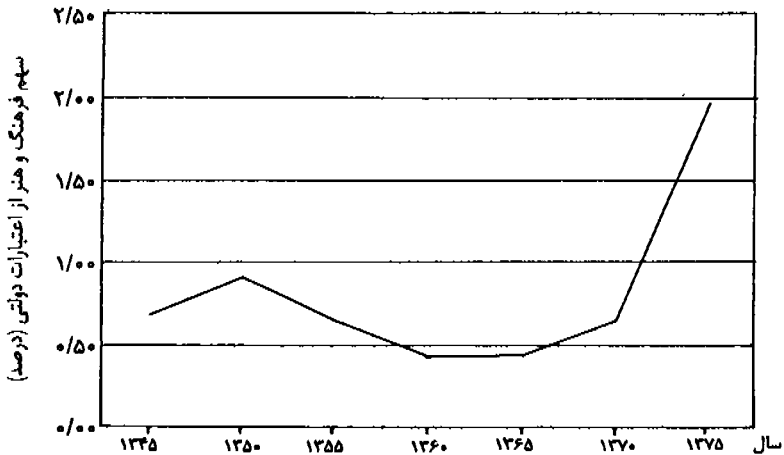
جدول ۳. شاخص سهم فرهنگ و هنر از اعتبارات دولتی و سرانه اعتبارات

فرهنگی ۱۳۴۵-۱۳۷۵

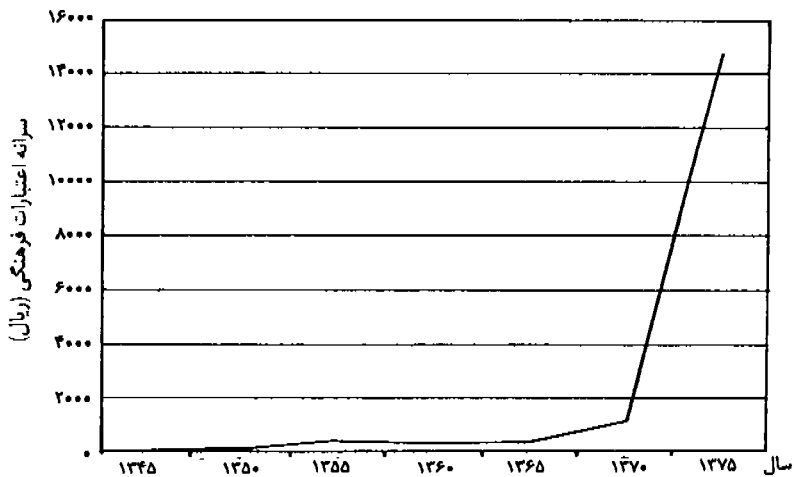
سرانه اعتبارات فرهنگی (ریال)	جمعیت کشور (میلیون نفر)	شاخص (درصد)	اعتبارات بخش فرهنگ و هنر (میلیارد ریال)	مجموع اعتبارات امور چهارگانه (میلیارد ریال)	سال
۲۶/۳	۲۲/۸	۰/۶۴	۰/۶	۹۴	۱۳۴۵
۹۱/۵	۲۹/۵	۰/۹۰	۲/۷	۳۰۰	۱۳۵۰
۳۴۷/۲	۳۳/۷	۰/۶۷	۱۱/۷	۱۷۵۹	۱۳۵۵
۲۷۹/۴	۴۰/۸	۰/۴۳	۱۱/۴	۲۶۴۶	۱۳۶۰
۳۰۳/۶	۴۹/۴	۰/۴۴	۱۵	۳۴۱۳	۱۳۶۵
۱۰۷۵/۲	۵۵/۸	۰/۶۵	۶۰	۹۲۲۵	۱۳۷۰
۱۴۷۸۳/۳	۶۰	۱/۹۸	۸۸۷	۴۴۸۲۵	۱۳۷۵

* شاخص (درصد) = $\frac{\text{اعتبارات بخش فرهنگ و هنر}}{\text{جمع اعتبارات امور}} \times ۱۰۰$

نمودار ۱. شاخص سهم فرهنگ و هنر از اعتبارات دولتی برحسب مقاطع پنج ساله ۱۳۴۵-۱۳۷۵



نمودار ۲. سرانه اعتبارات فرهنگی برحسب مقاطع پنج ساله ۱۳۴۵-۱۳۷۵



نمودار ۱، شاخص سهم فرهنگ و هنر از اعتبارات دولتی بر حسب مقاطع پنج ساله ۱۳۴۵-۱۳۷۵، نشان می دهد که سهم شاخص در دوره ۱۳۴۵-۱۳۵۰ افزایش و پس از آن تا سال ۱۳۶۰ روند کاهشی داشته است. برای مقاطع ۱۳۶۰-۱۳۶۵، ۱۳۶۵-۱۳۷۰، رشد شاخص شروع شده و از سال ۱۳۷۰ به بعد از رشد چشم گیری برخوردار بوده است. از آن جا که تعریف شاخص به نحوی

است که بیانگر میزان توجه به فصل فرهنگ و هنر است و صرفاً به افزایش مطلق اعتبارات توجه ندارد، نمودار مذکور بیانگر آن است که در مقایسه با سایر مقاطع پنج ساله در مقاطع زمانی ۱۳۴۵-۱۳۵۰، ۱۳۶۵-۱۳۷۰ و ۱۳۷۰-۱۳۷۵، فصل فرهنگ و هنر از رشد سهم نسبی برخوردار بوده است، و در مقایسه این مقاطع، بیشترین سهم نسبی مربوط به مقطع ۱۳۷۰-۱۳۷۵ است.

براساس نمودار ۲، سرانه اعتبارات فرهنگی، بر حسب مقاطع پنج ساله دوره زمانی ۱۳۴۵-۱۳۷۵ همین موضوع را می توان بار دیگر مشاهده کرد. بیشترین سهم سرانه نسبی مربوط به سال ۱۳۷۵ است و در میان مقاطع پنج ساله مختلف، دوره ۱۳۴۵-۱۳۵۵ دارای رشد بوده و از سال ۱۳۵۰ تا سال ۱۳۶۵ سرانه اعتبارات فرهنگی مرتباً کاهش یافته است و با پایان جنگ تحمیلی و لزوم توجه بیشتر به موضوع های فرهنگی که از جمله سیاست های دولت در برنامه دوم توسعه بوده است، روند افزایش سهم سرانه اعتبارات فرهنگی مشهود است. علل کاهش سرانه اعتبارات فرهنگی طی دوره ۱۳۵۰-۱۳۵۵ می تواند رشد قابل توجه عرضه خدمات فرهنگی بر اساس توجه ویژه بخش خصوصی بوده باشد که در نتیجه کاهش بار مالی دولت را دربرداشته است.

روند روبه افزایش این شاخص هر چند حاکی از اختصاص سهم بودجه ای بیشتر برای فعالیت ها و مراکز فرهنگی و هنری است، اما نمی تواند یک موضوع مثبت تلقی شود. ما به این موضوع در بحث تصدی و حاکمیت پرداختیم و بیان کردیم که نوعاً به دلیل نبود مشارکت کافی بخش خصوصی در عرضه کالاها و خدمات فرهنگی و ارزشی بودن فرهنگ، دولت ناگزیر چنین نقشی را ایفا کرده است. از آن جا که اطلاعات قابل استنادی از سهم بخش خصوصی در تولید و عرضه کالاها و خدمات فرهنگی طی دوره مورد بررسی وجود ندارد، نمی توان سرانه کل جمعیتی شاخص (شامل اعتبارات دولتی و بخش خصوصی) را محاسبه نموده و قضاوت قابل قبولی از علل تغییر روند شاخص و سرانه جمعیتی شاخص را ارائه کرد.

بی شک انقلاب اسلامی خاستگاهی مردمی داشته و مغایرت بین فرهنگ رسمی کشور و فرهنگ عمومی، دست کم در ابتدای انقلاب اسلامی می توانست معنادار نباشد. ولی با گذشت زمان و ارائه

تفاسیر خاص از دین به نحوی که تعارض آن با برخی ساختارها و عناصر باثبات فرهنگ عمومی مشهود گردید، شکاف بین این دورا آشکار ساخت و شرایط کنونی به نحوی است که تصور بر آن است این دامنه از تفاوت‌ها در حال گسترش بیشتر است. افزایش ابعاد تهاجم فرهنگی، ضعف کارکرد تبلیغات دینی، فقر اقتصادی و برخی دیگر از مسائل که جای طرح آنها نیست، چنین شکافی را تشدید خواهد کرد. در چنین وضعیتی، تولید و عرضه محصولات فرهنگی با محتوای دینی که مورد توجه حاکمیت فرهنگی است توسط بخش خصوصی به کمترین حد گرایش می‌یابد و دولت و نظام حکومتی خود را ملزم به تأمین حداقل‌ها با حضور مستقیم یا حمایت مالی و قانونی غیر مستقیم خواهد نمود. بر این اساس، هم اکنون مجموعه گسترده‌ای از نهادهای فرهنگی کشور فراتر از محدوده تعریف شده، به تصدی فعالیت‌ها می‌پردازند. اقتصاد تولید محصولات فرهنگی به دو رشته مشخص تفکیک یافته است. تولید و عرضه محصولات و کالاهای فرهنگی که ملزم به رعایت موازین دینی نیستند و حتی احیاناً بر اساس برخی تفاسیر غیر دینی محسوب می‌شوند، دارای مخاطب به میزانی است که بخش خصوصی را قادر به مشارکت نموده است. اعمال تسامح و تساهل در مورد تولید فیلم‌های سینمایی، فعالیت‌های رسانه‌ای، اجرای موسیقی، نمایش و داستان نویسی، در حالی که هنوز در حدود و ثغور محتوای دینی این گونه مقولات اختلاف نظر وجود دارد، در سال‌های اخیر با اقبال عمومی مواجه شده و تا حدودی اقتصاد صنعت سینما و نشر آثار ادبی رونق نسبی یافته است. در مقابل، تولید و ارائه کالاهایی که تحت عنوان خدمات دینی قابل طبقه بندی هستند در رکود به سر می‌برد. سال به سال برای هر یک از آنها اعتبارات دولتی بیشتر و دستگاه‌های فرهنگی ویژه‌ای معرفی و ایجاد می‌شود.

جدول ۴ نشان می‌دهد که در چند ساله اخیر چه میزان اعتبار دولتی به نهادهای دینی اختصاص یافته است و چه رشته فعالیت‌های جدیدی تعریف و در دامنه چنین فرآیندی از رشد اعتبارات قرار گرفته‌اند. همچنین بر اساس نمودار ۳، روند افزایشی سهم اعتبارات خدمات دینی از کل اعتبارات فرهنگ و هنر را نشان داده‌ایم.

ب) منابع بخش خصوصی

در جامعه دینی ما هنوز بر اساس عادت و عرف مذهبی، مردم بودجه‌های هنگفتی به امور دینی اختصاص می‌دهند که نمونه آن هزینه اداره هیئت‌های مذهبی، مساجد و مراسم دینی، از جمله مراسم عاشورا است. ولی شیوه درستی برای هدایت اصولی این گونه اعتبارات به مجاری مناسب هزینه کرد و عرضه خدمت دینی وجود ندارد و در پاره‌ای از موارد حتی چنین فعالیت‌هایی منجر به تولید و عرضه رشته‌ای از خدمات دینی می‌شود که روحی مغایر با اندیشه دینی نظام فرهنگی کشور دارد. با وجود این، برآورد دقیقی از اعتبارات اختصاص یافته به این خدمات وجود ندارد و مطالعه و برآورد آن نیاز به بررسی مستقلی دارد. بخش دیگر امکانات مالی بخش خصوصی به منظور تهیه محصولات و کالاهای فرهنگی است که نوعاً از دیدگاه فرهنگ رسمی کشور کالای قاچاق به شمار نمی‌آید. این گونه امور، شامل مجموعه محصولات فرهنگی و هنری، از قبیل تولید فیلم‌های سینمایی، نمایشنامه، چاپ و نشر کتاب، مجله و مانند اینها می‌باشد. در هر حال برآورد دقیقی از روند اعتبارات بخش خصوصی در زمینه‌های فرهنگی، اعم از مغایر یا موافق با فرهنگ رسمی وجود ندارد. ولی به نحو محسوسی مشخص است که این گونه امکانات به سمت تولید و ارائه کالاهای قاچاق گرایش داشته که محاسبه سهم آن خارج از موضوع این مقاله است.

تولید و عرضه کالاها و خدمات فرهنگی قاچاق به واسطه ممنوعیت استفاده از این گونه کالاها، اقتصاد بخش زیر زمینی فرهنگ را تشکیل می‌دهند. این اقتصاد تا حدودی خودکفا، فعال و در حال گسترش هر چه بیشتر است و در سال‌های اخیر با مجهز شدن به امکانات رسانه‌ای و ارتباطی پیش‌رفته، از قابلیت نفوذ بیشتری در میان مردم برخوردار شده است. تولید، توزیع و نصب تجهیزات ماهواره‌ای، تولید نوارهای صوتی و تصویری با محتوای غربی و موسیقی خوانندگان قبل از انقلاب، توزیع کتاب‌ها، مجلات، عکس‌ها و تصاویر مستهجن رواج ویژه‌ای دارد و با محسوس بودن دامنه گستردگی این پدیده، نهادهای فرهنگی به منظور افزایش قابلیت محصولات خود ناگزیر شده‌اند محدوده‌های دقت شرعی و انقلابی را برای مخاطب‌پذیری کالاهای فرهنگی خود، کاهش دهند و با تعریف مجدد هنر و ادب اسلامی، دامنه تسامح و تساهل را در محصولات سینمایی، صوتی و تصویری، نوشته‌های ادبی، نمایشنامه‌ها و سایر محصولات فرهنگی تسری دهند.

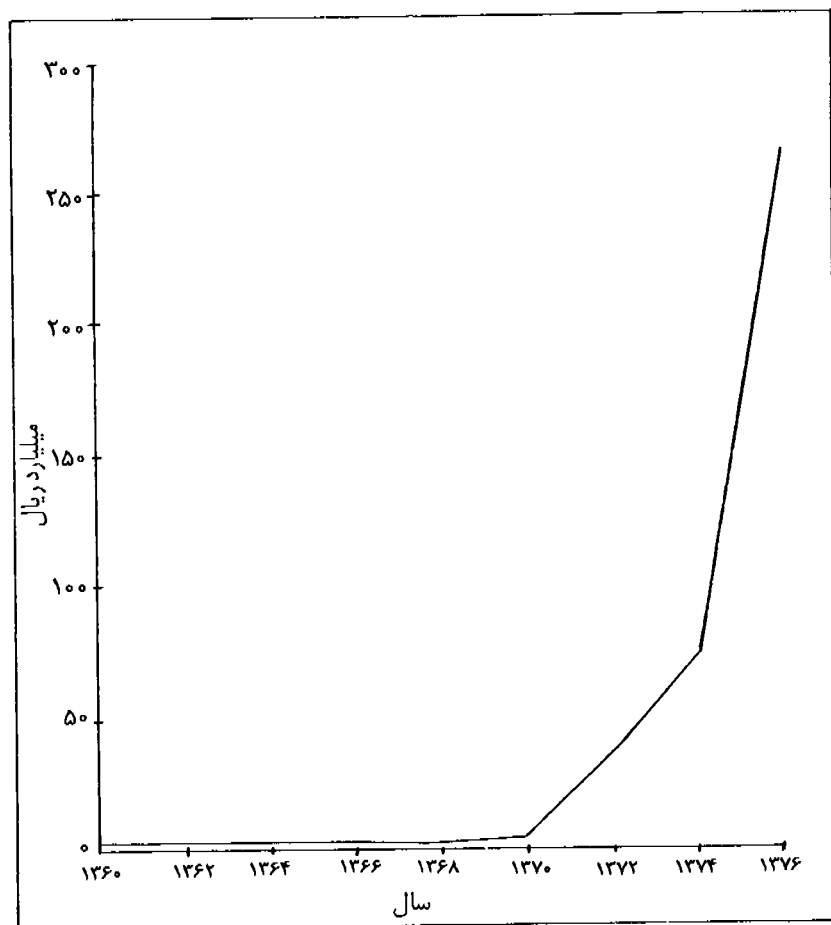
جدول ۴. وضعیت اعتبارات دولتی نهادهای مذهبی

(میلیارد ریال)

عنوان فعالیت	دستگاه مجری	۱۳۶۰	۱۳۶۲	۱۳۶۴	۱۳۶۶	۱۳۶۸	۱۳۷۰	۱۳۷۲	۱۳۷۴	۱۳۷۶
سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی	سورای عالی انقلاب فرهنگی	-	-	-۱۸۵	-۸۴	-۱۶	-۳۰	-۵۵	-۸۰	۱/۲
آموزش و تبلیغات دینی	سازمان تبلیغات اسلامی سورای هماهنگی تبلیغات اسلامی دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم مرکز مدیریت حوزه علمیه قم مرکز جهانی علوم اسلامی ستاد منطقه ۳ غرب کشور کانون‌های فرهنگی بسیج انجمن‌های اسلامی دانش‌آموزی و دانشجویی	۲/۰۸	۲/۲۰	-	-	-	-	-	-	۱۸ ۳ ۱۷/۳۰ ۹/۷۰ ۱/۳۰ ۳ ۱/۵۰ ۱/۵۰
امور مساجد	ستاد امر به معروف و نهی از منکر ستاد عالی کانون‌های مساجد مرکز رسیدگی به امور مساجد ستاد اقامه نماز اعتبارات ویژه مصلی تهران	-	-	-	-	-	-	-	-	۲ ۵ ۶ ۲ ۵۰
پژوهش‌های دینی	تحقیقات فقهی، کلامی و دینی مراکز پژوهش دینی	-	-	-	-	-	-	-	-	۲
ادب و هنر اسلامی	حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی	-	-	-	-	-	-	-	-	۱۶
وقف و امور خیریه	سازمان اوقاف و امور خیریه	۰/۴۵	۰/۶۱	۰/۴۲	۰/۶۷	۰/۲۳	۰/۹۰	۲/۸۰	۹	۱۵
حج و زیارت	سازمان حج و زیارت	۰/۱۵	۰/۳۰	-	-	-	-	۰/۲۰	۰/۳۰	۱/۱
تبلیغات اسلامی خارج از کشور	سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی مجمع جهانی اهل بیت (ع) مجمع جهانی تقرب بین مذاهب اسلامی	-	-	-	-	-	-	-	-	۷۲ ۳/۸ ۲
حفظ آثار و مدارک فرهنگی دینی	مؤسسه نشر آثار حضرت امام (ره) بنیاد حفظ آثار دفاع مقدس سازمان مدارک انقلاب اسلامی کتابخانه حضرت آیت ل. مرعشی نجفی	-	-	-	-	-	-	-	-	۱۶/۳۰ ۱۰/۳ ۲/۳ ۴
	جمع اعتبارات	۲/۶۸	۲/۶۱	۲/۹۷	۲/۵	۱/۶	۳/۷۹	۳۶/۱۸	۷۲/۸۶	۲۶۵/۳

د ارقام به میلیارد ریال است و تا دو رقم اعشار گرد شده است.

نمودار ۳. کل اعتبارات دولتی نهادهای مذهبی - مقاطع دو ساله ۱۳۶۰-۱۳۷۶



ج) منابع انسانی

مهم‌ترین منبع و نهاده در مورد تولید محصولات فرهنگی و تحکیم ساختارهای فرهنگی یا بازسازی آنها موضوع منابع انسانی، و به تعبیر روشن‌تر، نیروی انسانی بخش فرهنگ است. این مقوله را می‌توان در حیطه‌های متمایز نیروی انسانی بخش خصوصی، بخش دولتی و بخش نهادهای دینی به تفکیک بررسی کرد.

با توجه به رکود اقتصاد فرهنگ، به ویژه رکود در بخش کالاها و خدمات دینی، جذب نیروهای کارآمد و متخصص در بخش و مشارکت فعال بخش خصوصی چندان شایان توجه نیست و باید گفته شود عدم سودآوری سرمایه‌گذاری در بخش فرهنگ و هنر نسبت به سایر فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی، مانع از سرمایه‌گذاری در این بخش می‌شود. البته به گواهی تاریخ و با بررسی موضوع فرهنگ در سایر جوامع، به این نتیجه می‌رسیم که انگیزه‌های شخصی و علایق ذاتی همراه با احساس مسئولیت و فرهنگ دوستی، محور اساسی تمرکز منابع انسانی در این بخش بوده است و به غیر از برخی محصولات ویژه فرهنگی همانند فیلم، نقاشی، تئاتر و جهانگردی، عمده فعالیت‌های فرهنگی و هنری بر انگیزه‌های صرفاً مالی مبتنی نبوده است. به ویژه ارائه کالاها و خدمات دینی در جوامع اسلامی از دیر باز براساس انگیزه‌های دینی و معنوی شکل گرفته است و انگیزه مالی با ویژگی‌های فرهنگی عرضه این گونه کالاها سازگاری ندارد. به هر حال، در چند ساله اخیر، به رغم رونق نسبی برخی فعالیت‌های هنری و فرهنگی که با رقیق شدن محتوای ارزشی آنها عملی شده است، هنوز اقتصاد این بخش با نوسان و ناامنی سرمایه‌گذاری و نبود مشارکت نیروهای فعال و خلاق مواجه است.

این مشکل در ساختار بخش‌های فرهنگی دولتی نیز مشهود است و به سهولت امکان بهره‌گیری از امکانات مالی بیشتر در سایر بخش‌های اقتصادی و اجتماعی فراتر از این بخش برقرار است. چنین معضلی آثار خود را روی ناتوانی دستگاه‌های دولتی و نیمه دولتی فرهنگی در جذب نیروهای کارآمد، دارای تحصیلات و تجربه کافی نشان می‌دهد. برای مثال، مطالعه وضعیت نیروی انسانی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان اصلی‌ترین نهاد فرهنگی کشور نشانگر وضعیتی نامطلوب در این بخش است.

تا سال ۱۳۷۶ فقط ۱/۸۳ درصد از کل نیروی انسانی این وزارتخانه را کارکنان فوق لیسانس و دکتری تشکیل می‌داده‌اند. و هر چند که وزارتخانه تعدیل‌های جای‌گزینی نیروهای متخصص را به طور جدی دنبال کرده است، لیکن تعداد کارمندان لیسانس که در سال ۱۳۶۷، ۱۶/۶۳ درصد از کل نیروی انسانی وزارتخانه را تشکیل می‌داده‌اند، تنها با رشدی معادل ۳/۵ درصد، در سال ۱۳۷۶ به مرز ۲۰ درصد رسیده است.

در مجموع، طی این دوره، گرچه روند تغییرات در جهت ارتقای کیفی نیروی انسانی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی بوده است و سهم نیروهای متخصص (دیپلم به بالا) در حدود ۱۰ درصد افزایش یافته است، اما وضعیت موجود هنوز با وضعیت مطلوب و مورد انتظاری که توان سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی بخش بسیار پیچیده و کیفی فرهنگ را داشته باشد، فاصله چشم‌گیری دارد. به طوری که می‌بینیم، هنوز شمار بسیاری از کارکنان وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی را کارمندان زیر دیپلم تشکیل می‌دهند. رقم این کارمندان در سال ۱۳۷۶ با ۱۶۷۶ نفر، معادل ۳۳ درصد از کل کارمندان است.^۱

سازمان‌ها و نهادهای دینی نیز وضعیتی مشابه دارند و نتوانسته‌اند در زمینه جذب نیروهای کارآمد و متخصص توفیق چندانی داشته باشند. برای مثال، از مجموع ۵۱۲ نفر کارکنان سازمان تبلیغات اسلامی مرکز، تنها ۲۶ درصد آنها دارای تحصیلات در حد کارشناسی و بالاتر هستند و این وضعیت در مورد سایر نهادهای مذهبی و دفاتر سازمان مذکور در مراکز استان‌ها به مراتب نگران‌کننده‌تر است.

۴. ملاحظات اساسی و پیشنهادها

همان‌گونه که در مباحث قبلی ذکر شد، تولید و عرضه کالاها و خدمات فرهنگی گرایش بسیاری به سمت دولتی شدن یا دست کم بهره‌گیری از اعتبارات دولتی داشته است و در سایر زمینه‌های فرهنگی نیز هنوز نقش دولت قابل توجه است. برای مثال، در حال حاضر، دست کم ۲۷ درصد بازار نشر در اختیار دولت و مؤسسات وابسته به دولت است^۲ و در زمینه موسیقی زنده و فعالیت‌های نمایشی تقریباً منحصراً دولت فعال است. بخش وسیعی از سینماهای کشور متعلق به نهادهای دولتی یا حکومتی است. حضور دولت در تولید و فروش کالاهای فرهنگی نوعی مداخله غیر ضروری در بازاری است که به طور سنتی متعلق به بخش خصوصی است، و در نتیجه، اقتصاد بخش فرهنگ مختل شده و دولت یک رقیب جدی برای بخش خصوصی به شمار می‌رود که تقریباً از تمام ضوابط و

۱. گزارش مرحله اول کمیته فرهنگ و هنر، برنامه سوم توسعه کشور.

۲. گزارش کمیته فرهنگ و هنر - وضعیت موجود.

قیدهای حاکم بر فعالیت‌های فرهنگی و هنری آزاد است. به علاوه، مؤسسات دولتی عموماً بدون رعایت صرفه جویی و بدون احتساب میزان تقاضای بازار و تحلیل هزینه - فایده عمل می‌کنند که این امر در نهایت، موجب اتلاف سرمایه، نیروی انسانی و تنگ نمودن عرصه بر بخش خصوصی می‌شود.

دخالت دولت با پرداخت یارانه و برقراری معافیت‌ها و بخشودگی‌های مالیاتی و قانونی تنها به منظور رونق بخشی به بازار کالاهای فرهنگی و هنری در دوران رکود یا با هدف بالا بردن کیفیت و کمیت تولیدات فرهنگی برای یک افق کوتاه مدت موجه است، ولی اینک بعد از حدود ۱۰ سال پرداخت یارانه به بخش خصوصی همچنان ادامه دارد و این بخش از نظر اقتصادی کاملاً وابسته به یارانه‌های دولتی شده است، به نحوی که قطع این یارانه‌ها اختلالات شدیدی در بازار به وجود خواهد آورد. افزون بر اینها، کیفیت کالا و خدمات فرهنگی نیز آن گونه که تصور می‌شد، ارتقا نیافته است.

کمبود نیروی متخصص در فعالیت‌های مختلف فرهنگی و هنری یکی از معضلات اساسی بخش فرهنگی کشور است. برای مثال، کل هنرمندان موسیقی کشور، شامل موسیقی سنتی، مقامی و محلی، کلاسیک و دیگر انواع آن، در حدود ۶۰۰ نفر است که شامل ۳۰ نفر مؤلف و آهنگساز، ۱۰۰ نفر نوازنده سنتی، ۱۲۰ نفر نوازنده سمفونیک و ۵۰ نفر تک خوان و کر، ۷۰ نفر موسیقی نظامی و ۲۳۰ نفر موسیقی مقامی که عمدتاً در شهرستان‌ها و روستاهای کشور ساکن هستند. بی‌توجهی نسبت به آموزش کارکنان حرفه‌ای موسیقی در چند سال گذشته، عملاً نه گسترش بلکه بقای موسیقی در چهارچوب هدف‌های فرهنگی نظام را در معرض تهدید قرار داده است. در زمینه سینما و تئاتر، ویراستاری و ترجمه نیز وضع به همین ترتیب است.^۱

تعدد دستگاه‌های فرهنگی و نهادهای دینی و موضوع موازی کاری و تداخل وظایف، یکی از مسائل اساسی ساختار تشکیلات فرهنگی کشور است. در برنامه اول توسعه، این موضوع مورد توجه قانون‌گذار قرار گرفت و بر حسب تبصره ۲۵ قانون برنامه، حکم به ادغام و حذف بعضی از آنها شد، اما این حکم در طول برنامه اول و پس از آن در برنامه دوم تحقق نیافت. در حال حاضر، تعداد زیادی از این دستگاه‌ها به ویژه در امر اطلاع رسانی و ثبت مدارک و اسناد فرهنگی و هنری و امور و

فعالیت‌های دینی وجود دارند که فعالیت‌هایی کاملاً موازی با سایر دستگاه‌ها انجام می‌دهند. این دستگاه‌ها، علاوه بر آن که برای دولت نوعی ائتلاف منابع مالی و انسانی محسوب می‌شوند و هر ساله اعتبارات هنگفتی تحت عنوان بودجه جاری و عمرانی به خود اختصاص می‌دهند، عملاً موجب اختلال در کار سایر دستگاه‌های فرهنگی می‌شوند.

با وجود تعدد دستگاه‌های اجرایی در برخی زمینه‌ها در بسیاری از امور دیگر دستگاه مشخصی وجود ندارد. در جدول‌های ۱ و ۲، فهرستی از نهادهای فرهنگی کشور بر اساس ویژگی‌های فعالیتی از حیث تصدی و حاکمیت و بر اساس نوع موضوع‌های فرهنگی یا خدمات دینی ارائه شده است. جدول‌ها به خوبی نشانگر حیطه حاکمیت و تصدی و حدود موازی کارها و تداخل امور است. مقایسه این جدول‌ها با جدولی که وضعیت را برای قبل از انقلاب اسلامی نشان می‌دهد، گویای برخی تفاوت‌ها در زمینه حاکمیت و تصدی قبل و بعد از انقلاب است.

موضوع دیگر ناکارآمدی نظام‌های نظارتی در بخش فرهنگ و هنر است. جریان تحولات و به‌کارگیری فن‌آوری‌های پیش‌رفته در تولید کالاهای فرهنگی و هنری به گونه‌ای است که تأثیر نظام‌های کنترل متعارف را کاهش داده و در آینده با شدت بیشتری کاهش خواهد داد. در زمانی که بسیاری از کالاهای فرهنگی از طریق شبکه‌ها و بانک‌های اطلاعاتی و از طریق ماهواره‌ها قابل دریافت است، نظام‌های چند مرحله‌ای پیچیده و زمان‌بر تأثیر خود را از دست داده و موجب می‌شود که مخاطبان بیشتر به سوی مصرف کالاهای غیر مجاز هدایت شوند. نمونه آن مصرف نوار کاست است که دو کارخانه داخلی حداقل ۴۰ میلیون نوار کاست در کشور تولید می‌کنند و حدود ۲۰ میلیون نوار کاست نیز به طور قاچاق از خارج وارد می‌شود. از میانگین ۶۰ میلیون نوار کاست موجود در هر سال، حدود ۶ میلیون (۱/۱۰ کل نوارها) به طریق مجاز و از طریق مجاری دولتی تکثیر می‌شود و حدود ۹۰ درصد (۵۴ میلیون نوار) از طرق غیر مجاز تکثیر می‌شود.^۱

اقتصاد فرهنگ اساساً در نظام‌های فرهنگی ارزش مدار، وقتی شکاف قابل توجهی بین فرهنگ رسمی و عمومی بروز می‌کند، منابع را به سمت اقتصاد زیرزمینی فرهنگ سوق می‌دهد و نظام حکومتی مروج فرهنگ رسمی ناگزیر به ایفای نقش جدی‌تری خواهد بود. در نتیجه، سهم اعتبارات

۱. گزارش مرحله اول کمیته فرهنگ و هنر، برنامه سوم توسعه کشور.

دولتی در اختیار بخش فرهنگی کشور افزایش می‌یابد و ائتلاف منابع ملی با جدی شدن تعارض فرهنگ رسمی و عمومی امری است که می‌تواند به عنوان یک چالش اساسی مورد توجه باشد. زیرا منابع مالی به منظور خنثی کردن اقدامات فرهنگی جانب مقابل اختصاص می‌یابد. سماجت بیش از اندازه نظام حکومتی روی نشان کردن دامنه تفاوت‌های فرهنگ رسمی با فرهنگ عمومی، منابع مالی خصوصی اقتصاد فرهنگ را زیر زمینی می‌کند. در عین حال، ابهام در تعیین مشخص محدوده فرهنگ رسمی و تفسیر غلط آن، منبع دیگری برای ائتلاف منابع در بخش است.

یک چالش اساسی دیگر در ساختار تشکیلات فرهنگی کشور، موضوع دوگانگی قدرت و مدیریت فرهنگی کشور است. پس از انقلاب اسلامی، در ابتدا، امور حاکمیت و تصدی فرهنگ رسمی کشور با اعمال برخی تغییرات شکلی به وزار تخانه‌ها و دستگاه‌های فرهنگی به جا مانده از نظام گذشته واگذار شد، ولی پس از مدتی ناتوانی این دستگاه‌ها که تنها تغییر عنوان داده و بدون تحول اساسی و محتوایی عهده‌دار مسئولیت‌های ویژه‌ای شده بودند، آشکار شد و به دلیل تحول ناپذیری ساختار و قالب‌هایی که لاًقل در کوتاه مدت قابلیت تحول‌پذیری کافی را نداشتند کم کم این احساس عمومی توسط مدیریت فرهنگی کشور قوت یافت که کاستی‌های موجود در رسالت‌های ویژه فرهنگی کشور را باید با تعریف نهادهای جدیدی که حتی المقدور دولتی هم نباشند، جبران کرد. در پی آن، بسیاری از نهادهای فرهنگی جدید شکل گرفت و هر روز توسط مسئولان کشور یک ضرورت یا نیاز فرهنگی تعریف و تفسیر شده و برای حصول آن نهادی جدید معرفی می‌شود. وابستگی غالب این مراکز به نهاد رهبری این تلقی را قوت می‌بخشد که در صورت تنافی دیدگاه‌های فرهنگی دولت و رهبری دو رشته منفک از دستگاه‌های فرهنگی که مستقیماً یا غیر مستقیم از منابع ملی تغذیه می‌شوند، عهده‌دار ترویج و اشاعه فرهنگ رسمی خواهند بود که این دوگانه نگری می‌تواند به معنای شکل‌گیری دو حیطه منفک برای فرهنگ رسمی باشد. در هر حال، دوگانگی دستگاه‌های فرهنگی یک نیروی بالقوه برای بروز پدیده فرهنگ رسمی دوگانه است.

اکنون با توجه به تحلیلی که از وضعیت ساختار تشکیلاتی بخش فرهنگ و هنر کشور ارائه شد و همچنین مجموعه‌ای از چالش‌ها که در این چهارچوب مورد بحث قرار گرفت، این موضوع به سهولت

قابل اثبات است که بخش فرهنگی کشور نیاز به یک تحول اساسی و ایجاد تغییرات زیربنایی دارد و چنین تحولاتی ریشه در ساختار ارگانیک نظام اجتماعی کشور و تأمین پیش شرط‌های لازم در سایر نظامات سیاسی، اقتصادی و آموزشی کشور را دارد.

موضوع دوگانگی قدرت و چالش ثانویت فرهنگ و گسستگی ارتباطات ارگانیک بین بخش فرهنگ و سایر بخش‌های اجتماعی، از مقولات مهمی است که تجدید ساختار نظام اجتماعی کشور را می‌طلبد و تدوین نظامی ارگانیک با رفتارهای مشخص و مطلوب فراتر از یک تحول درون بخشی است. با توجه به تأکیدی که بر اساس رابطه همسویه فرهنگ و توسعه مورد اذعان قرار گرفت و ویژگی‌ها و رسالت‌های نظام مقدس جمهوری اسلامی در ابعاد اجتماعی و فرهنگی، تنظیم و تدوین یک نظام کارآمد فرهنگی بر اساس ارزش‌های دینی و ملی، اساسی‌ترین گام در حل معضلات و چالش‌های موجود است. تنها در چهارچوب چنین نظامی می‌توان یک نقش مشخص و مدون برای تشکیلات فرهنگی کشور از حیث حاکمیت و تصدی را معرفی کرد و مجاری تزیق فرهنگ رسمی را شفاف نمود.

تبیین محدوده‌های رفتار فرهنگی مطلوب بر اساس ارزش‌های پذیرفته شده و شفاف سازی بایدها و نبایدها با توجه به نوع نگرش اسلام به مقولات اجتماعی و بر اساس دیدگاهی که در پاسخ به ضرورت‌ها و لزوم بهره‌گیری از خدمات فرهنگی سایر ملل، قاعده تساهل و تسامح را جریان می‌دهد، می‌توان دایره فعالیت اقتصاد زیرزمینی را محدود و کنترل نمود. با وجود این، از آن جا که در نظام نوپای ما هنوز امکان تعیین حدود و ثغور نوع روابط فرهنگی و فعالیت‌های هنری دور از دسترس است، فعال ماندن ادامه حیات نگرش‌ها و تلقی‌های مختلف در چهارچوب مجاز و قانونی به حصول یک درک درست از دامنه رفتار مطلوب اجتماعی کمک خواهد کرد.

موضوع دیگر، اصلاح ساختار تشکیلاتی کشور است، به نحوی که بتوان با حذف دوگانگی قدرت، شرایط لازم برای حذف موازی کاری‌ها، تداخل وظایف و احیاناً تعارضات در حیطه عملکرد نهادهای فرهنگی را فراهم کرد. تحقق این ضرورت تنها با مشارکت همه نهادهای فرهنگی موجود و عزم راسخ مدیریت فرهنگی کشور و بر اساس مجوزهای قانونی و مطالعات دقیق کارشناسی مقدور است.

در این چهارچوب یک تعریف مجدد از روش‌های نظارت بر فعالیت‌های فرهنگی و تبیین سازوکارهای کارآمد آن اهمیت می‌یابد.

آخرین نکته در این مجموعه از رهیافت‌ها، موضوع اقتصاد فرهنگ است. این که هنوز پس از ۲۰ سال از استقرار نظام اسلامی، حجم گسترده‌ای از تولید و عرضه کالاهای فرهنگی در حیطه فعالیت دولت و نهادهای حکومتی باشد توجیه پذیر نیست و با توجه به ضرورت مخاطب‌پذیری محصولات فرهنگی و هنری و تدوین شیوه‌های حصول آن با حفظ حداقل‌های لازم از ارزش‌های تعریف شده، می‌توان مسیر تحول به سوی اقتصادی مبتنی بر مشارکت بخش خصوصی را فراهم آورد. تنها در صورت رونق‌یابی اقتصاد فرهنگ است که مشکل ناکارآمدی و نبود تخصص در مجموعه نهادهای فرهنگی قابل رفع می‌باشد.

منابع

- دوپوئی، گزایوه. (۱۳۷۴). فرهنگ و توسعه. (فاطمه فراهانی، عبدالکریم زرین قلم، مترجمان). کمیسیون ملی یونسکو در ایران.
- دورینگ، سالمین. (۱۳۷۸). مطالعات فرهنگی. (مشیرزاده، مترجم). مؤسسه فرهنگی آینده پویان تهران.
- رئیس دانایی، اقدس. (۱۳۷۷). فهرست قوانین و مصوبات فرهنگی جمهوری اسلامی ایران. سازمان برنامه و بودجه. اسناد برنامه‌های اول، دوم و سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور.
- _____ . (۱۳۷۸). گزارش‌های مرحله اول کمیته فرهنگ و هنر و کمیته نهادهای مذهبی و تبلیغات اسلامی برنامه سوم توسعه. دفتر امور فرهنگ و هنر، جوانان و تربیت بدنی. _____ . (۱۳۴۵-۱۳۷۸). قوانین بودجه سنواتی.
- عبدی، عباس؛ گودرزی، محسن. (۱۳۷۸). تحولات فرهنگی در ایران. روش.
- گرانپایه، بهروز. (۱۳۷۷). فرهنگ و جامعه. نشر شریف.
- مرکز آمار ایران. (۱۳۵۰-۱۳۷۸). سالنامه‌های آماری کشور.
- وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. (۱۳۵۰-۱۳۷۵). گزارش‌های فرهنگی کشور.
- یونسکو. (۱۳۷۶). بعد فرهنگی توسعه به سوی یک رهیافت علمی. (تیمور محمدی، مترجم). سازمان برنامه و بودجه، مرکز مدارک اقتصادی، اجتماعی و انتشارات.